استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

فروش به صورت نسیه

س: آیا فروش کالایی به مبلغی بیش از قیمت روز در ازای دریافت چک ده روزه بنا به تصمیم و اختیار خریدار اشکال ربوی دارد؟

ج: نسیه فروختن اشکالی ندارد، اگرچه از قیمت نقد بیشتر بگیرد.

در محضر امام خمینی(ره)

زیارت مختصر و پذیرایی از دیگران

یکی از علما برای من نقل کرد که یک سال تابستان به اتفاق امام و چند تن دیگر از روحانیون به مشهد مشرف شدیم و خانه دربستی گرفتیم. برنامه ما چنین بود که بعدازظهرها پس از یکی-دوساعت استراحت از خواب بلند می‌شدیم و دسته‌جمعی روانه حرم مطهر می‌شدیم و پس از زیارت و نماز و دعا به خانه مراجعت می‌کردیم و در ایوان باصفایی که در آن خانه بود می‌نشستیم و چای می‌خوردیم.

برنامه امام این بود که با جمع به حرم می‌آمدند ولی دعا و زیارتشان را خیلی مختصر می‌کردند و تنها به منزل بازمی‌گشتند. ایوان را آب و جارو می‌کردند، فرش پهن می‌کردند، سماور را روشن و چای را آماده می‌ساختند و وقتی که ما از حرم بازمی‌گشتیم، برای همه چای می‌ریختند.

یک روز من از ایشان سؤال کردم این چه کاری است؟ زیارت و دعا را به خاطر آن که برای رفقا چای درست کنید، مختصر می‌کنید و باعجله به منزل بازمی‌گردید؟

امام در جواب فرمودند: من ثواب این کار را کمتر از آن زیارت و دعا نمی‌دانم.

(حجت‌الاسلام سیدحمید روحانی: پا به پای آفتاب ج ۳ ص ۱۶۹)

دیگر کارشان تمام است ما پیروزیم!

اندلس را که یکی از کشورهای قدیمی و تمدن عظیم بود، در نظر بگیرید. خیلی از حکما و ادبا و فلاسفه اسلامی از این سرزمین بوده‌اند و بعد مسیحی‌ها آن را گرفتند و هنوز مسجدهای تاریخی با عظمتی در آن وجود دارد. مسیحیت چگونه بر آنجا غلبه کرد؟ نقشه کشید و دو مسئله را در آنجا رایج نمود: یکی مسئله بی‌حجابی و دیگری مسئله شرابخواری. به این طریق اقدام نمودند که دستور دادند دختران بسیار زیبای مسیحی به بهترین وجه آرایش کنند و در خیابان‌ها گردش و رفت و آمد نمایند و در روابط با مردان آزاد باشند. نتیجه این شد که پس از چندی دلبستگی‌ها به وجود آمد و ازدواج‌ها صورت گرفت و کم‌کم در سطوح بالا نیز این ازدواج‌ها صورت گرفت و دیگر کار خاتمه پیدا کرد.

درباره یکی از حاکمان این کشور می‌گویند روزی لب دریا نشسته بود و به آب می‌نگریست، در این بین دختری مسیحی خرامان خرامان از مقابل او گذشت. آن شخص دیگر طاقت نیاورد که غلامان و خدمه‌اش را بفرستد تا آن دختر را برای او بیاورند، بلکه خودش دوید او را بغل کرد و به بستر خویش برد. وقتی این جریان را به پاپ خبر دادند، پاپ گفت: دیگر کارشان تمام شد، ما پیروزیم!(۱)

۱- پانزده گفتار، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۶۲

الگوی زهد

گاندی این مرد هندو وقتی می‌خواهد هند را رهبری کند، وقتی می‌خواهد (یک میلیارد و چهارصد میلیون) جمعیت هندوستان را از چنگال استعمار رها کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه راه پیغمبران را پیش بگیرد، یک زندگی ساده برای خودش انتخاب کند، پارچه ساده‌ای روی دوش بیندازد و سنگی به کمر بندد و تمام دارایی‌اش یک بز باشد و بگوید من با همین بز می‌توانم زندگی کنم.

به ملت هند هم دستور می‌دهد که اگر می‌خواهید از چنگال استعمار رهایی پیدا کنید باید زاهد باشید، یعنی یک زندگی ساده پیشه کن تا بتوانی آزاد شوی، بعد که آزاد شدی، اگر می‌خواهی زندگیت را پرتجمل بکنی، بکن، ولی تا خودت را از قیودی که خودت برای خودت ساخته‌ای آزاد نکرده‌ای، نمی‌توانی آزاد شوی. این نوع دیگر زهد است که فلسفه آن آزادی و آزادگی است.(۱)

۱- حق و باطل، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص۱۶۷

۳۰ سال «استغفرالله» به خاطر یک «الحمدلله»

می‌گویند یکی از عرفا به نام «سری سقطی» می‌گفت: من سی سال است که استغفار می‌کنم به خاطر یک «الحمدلله» که گفته‌ام، به خاطر یک شکری که خدا را کرده‌ام، گفتند: چطور؟ گفت: من در بغداد دکاندار بودم (این داستان را هم سعدی به شعر درآورده است.) یک وقت خبر رسید که فلان بازار بغداد را حریقی پیدا شد و سوخت. دکان من هم در آن بازار بود. به سرعت رفتم ببینم دکان من سوخته است یا نه؟ یک کسی به من گفت: آتش به دکان تو سرایت نکرده است. گفتم: «الحمدلله» بعد با خودم فکر کردم که آیا تنها تو در دنیا بودی؟ بالاخره آتش چهار تا دکان را سوزانده، دکان تو نسوخته، یعنی دکان دیگری سوخته: «الحمدلله» معنایش این است که «الحمدلله» آتش دکان مرا نسوزاند. دکان او را سوزاند. پس من راضی شدم به اینکه دکان او سوخته بشود و دکان من سوخته نشود. بعد به خودم گفتم: «اولاتهتم المسلمین سری؟» تو غصه مسلمین در دلت نیست؟ (اشاره است به حدیث پیغمبر(ص): «من اصبح ولایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» هر کس که صبح کند و همّش خدمت به مسلمانان نباشد، او مسلمان نیست) و من سی سال است که دارم استغفار آن الحمدلله را می‌کنم.(۱)

۱- فلسفه اخلاق، شهید مرتضی مطهری (ره)، ص ۱۸ و ۱۹.

غیرت؛ جایگاه و انواع آن از دیدگاه آموزه‌های دینی

بخش دوم و پایانی

غیرت سیاسی از نگاه قرآن

علی پوریا

در نخستین بخش از مطلب حاضر، به بررسی ریشه‌های غیرت و دو نوع ارزشی و مثبت و غیرارزشی و منفی آن از نظرگاه قرآن پرداختیم. در ادامه نگاه آموزه‌های اسلامی به مقوله غیرت و اهمیت غیرت سیاسی در قرآن مورد کنکاش قرار گرفته است.

***

چنانکه قبلا گفته شد، اسلام دین فطری و مطابق فطرت است.(روم، آیه ۳۰) بنابراین، با توجه به تفاوت خاستگاه‌ها و اقسام غیرت، تنها برخی از انواع و اقسام غیرت را پذیرفته و آن را تایید می‌کند. اقسامی که اسلام پذیرفته و آن را به عنوان یک رفتار شرافتمندانه مورد تایید قرار داده عبارتند از:

۱- غیرت دینی: غیرت دینی یک غیرت فطری، تعقلی، ارزشی و مثبت است. رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله ـ فرموده است: اَلا وَ اِنّ اللهَ حَرّمَ الْحَرامَ وَ حَدّ الحُدودَ وَ ما اَحَدٌ اَغْیَرَ مِنَ اللهِ وَ مِنْ غَیْرَتِهِ حَرّمَ الْفواحِشَ؛ آگاه باشید که خداوند، محرمات را حرام و حدود را وضع کرد و هیچ کس غیورتر از خدا نیست که از روی غیرت، زشتی‌ها را حرام کرده است. (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۲) همچنین امام صادق(ع) فرمود: إنّ وَ تَعَالَی اللهَ تَبَارَکَ غَیُورٌ یُحبّ کُلّ غَیُور وَ لِغَیْرَتِهِ حَرّم الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا؛ همانا خداوند تبارک و تعالی باغیرت است و مردان غیور را دوست دارد و از همین رو، زشتی‌ها را چه آشکار و چه پنهان حرام کرده است. (کافی، الاسلامیه ج۵، ص ۵۳۵ و ۵۳۶، ح۱) این غیرت از صفات الهی است و در روایات، خداوند به این نوع غیرت ستوده شده است. خداوند چون غیور است، به مجازات کسانی می‌پردازد که بر حریم حرمت‌ها تجاوز می‌کنند و این گونه به احکام و آموزه‌های آن تعدی می‌شود. خداوند چون خود غیور است بر همین اساس غیرتمندانی را که غیرت دینی می‌ورزند دوست می‌دارد و به نظر لطف و محبت و رحمت به آنان می‌نگرد. با نگاهی به مجموعه‌های احکام قرآنی که در حوزه دفاع از حریم دین و حرمت‌ها وضع شده می‌توان میزان غیرت الهی را دریافت. خداوند احکام جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن را در قالب غیرت دینی تبیین و توصیه کرده است. این غیرت دینی انسان را برای مقابله با ظلم و استکبار برمی‌انگیزد و موجب دفاع از مظلوم و مستضعف می‌شود.(نساء، آیه ۷۵) از نظر اسلام، غیرت دینی همان معنا و مفهوم حقیقی ایمان است؛ زیرا این غیور با محبتی که به دین و بغضی که به دشمنان دین دارد، به جهاد و امر به معروف و نهی از منکر بر می‌خیزد. از این رو امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: غَیْرَةُ الرّجُلِ ایمانٌ؛ غیرت مرد (عین) ایمان است.(شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۳۷۷) همچنین امام(ع) رسول خدا(ص) را به عنوان الگوی «غیرت دینی» معرفی نموده و می‌فرماید: «پیامبر اکرم(ص) چنان بود که هیچ گاه برای امور دنیایی خشم نمی‌کرد، اما اگر برای حق خشم می‌کرد، کسی او را نمی‌شناخت و چیزی او را آرام نمی‌نمود.» (المحجه البیضاء، ج ۵، ص ۳۰۳) از نظر پیامبر(ص) کسی که غیرت دینی ندارد نشان می‌دهد که اهل نفاق است. رسول اکرم فرموده است: اَلغَیرَةُ مِنَ الایمانِ وَالمِذاءُ مِنَ النّفاقِ؛ غیرت از ایمان است و بی بند و باری از نفاق. (نهج الفصاحه ص ۵۸۷، ح ۲۰۴۵)

۲- غیرت ناموسی: از اقسام غیرت مثبت باید به غیرت ناموسی اشاره کرد. عقل و دین و فطرت به انسان می‌گوید که حریم حرمت‌های خانوادگی را حفظ کند و غیر را از این حریم دور کرده و بزداید. از همین رو دفاع از حریم ناموس همانند دفاع از جان و مال، از واجبات اسلامی است و کسی که در این راه کشته شود، شهید است. غیرت در حفظ حریم خانواده و ناموس دارای مجوز روایی و فتوایی است. از پیامبر خاتم(ص) روایت شده است: «ان الله لیبغض من یدخل علیه فی بیته فلا یقاتل؛ همانا خداوند مبغوض می‌دارد آن کسی را که بیگانه‌ای [با زور] وارد خانه‌اش شود و او با آن بیگانه نجنگد.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۹۹) پیامبر اسلام(ص) مردانی را که به عفت و پاکی دختران و همسرانشان بی‌تفاوتند، لعن کرده و قتل آنان را روا داشته است. (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۶۱۱) طبق فرموده رسول خدا(ص) نه تنها افراد بی‌غیرت به بهشت نمی‌روند، بلکه حتی بوی آن به مشامشان نمی‌رسد: «همانا بوی خوش بهشت، از فاصله پانصد سال به مشام می‌رسد ولی به مشام عاق والدین و بی‌غیرت نمی‌رسد.» (من لایحضره الفقیه، ج۳، ص ۲۸۱) رسول خدا(ص) فرموده است: «جدع الله انف من لایغار من المؤمنین و المسلمین. خدای متعال بینی کسی را که (به حریم خویش) غیرت نورزد، قطع می‌کند» (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲۷، ح ۵۲۵۲۵؛ اصول کافی، ج ۵، ص۵۳۶، ح ۴)و نیز آن حضرت (ص) فرمود: «و ارغم الله انف من لا یغار. و خداوند بینی بی‌غیرت را به خاک می‌مالد.» (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۸، ح ۳۳) امام خمینی (قدس سرّه) نیز فتوا داده و فرموده است: اگر به ناموس کسی - خواه همسرش باشد یا دیگران - به قصد تجاوز حمله شود، واجب است به هر وسیله ممکن آن را دفع کند گرچه به کشتن مهاجم بینجامد، بلکه اگر قصد آبروریزی به کمتر از تجاوز هم داشته باشد، به ظاهر حکمش همین است. (تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۱، ص ۸۷)

از امام باقر(ع) نقل شده که فرمود: جمعی از اسیران دشمن را به حضور رسول خدا(ص) آوردند. آن حضرت بنا به صلاح و مصلحت، دستور اعدام آنها را صادر کرد؛ ولی از آن جمع یکی از آنان را آزاد کرد. وی که از رفتار پیامبر(ص) به شگفت آمده بود، پرسید: چرا مرا آزاد کردی؟ پیامبر خدا(ص) فرمود: جبرئیل به من خبر داد که تو دارای پنج خصلت هستی که خدا و رسولش آنها را دوست دارند. آن خصلت‌های پنج گانه عبارتند از: ۱-غیرتمندی برای همسر و خانواده؛ ۲- سخاوت؛ ۳- نیک خلقی؛ ۴- راستگویی؛ ۵- شجاعت. وقتی که آن اسیر این مطلب را شنید، به حقانیت دین پیامبر(ص) یقین کرد و اسلام آورد و با تلاش و ایثار توانست خود را به مراتب بالای ایمان برساند. او سرانجام، در یکی از جنگ‌ها در رکاب پیامبر اسلام شهد شهادت نوشید. (خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۱۳)

در روایت است که حکم ابن ابی العاص (پدر مروان و عموی عثمان) بعد از فتح مکه، به ظاهر مسلمان شد. روزی پیامبر(ص) در یکی از حجره‌هایش با حضرت علی(ع) نشسته بود. حکم از شکاف در به داخل آن حجره می‌نگریست و دزدانه به سخنان پیامبر(ص) و دیگر افراد داخل حجره گوش می‌کرد. پیامبر(ص) که متوجه شده بود، به حضرت امیر(ع) فرمود: برو او را بیاور. آن حضرت بیرون آمد و گوش حکم را مثل بز گرفت و کشید و او را به داخل برد. پیامبر(ص) بعد از لعنت کردن حکم، او را به طائف تبعید کرد. او در عصر خلیفه اول و دوم نیز در تبعید بود، ولی در زمان خلیفه سوم و با وساطت وی به مدینه بازگشت. (سقیفه، علامه سیدمرتضی عسکری، ص ۶۵۱)

***انسان مومن در همه حوزه‌های شخصی و اجتماعی بر اساس فطرت و عقلانیت دارای غیرت بوده و غیرزدایی می‌کند و همان طوری که خود اهل تجاوز و تعدی به حریم حرمت دیگران نیست، اجازه نمی‌دهد تا کسی به حریم حرمت او یا جامعه‌اش وارد شود.**

بدین ترتیب علت حکم تبعید ابن ابی‌العاص را باید غیرت پیامبر(ص) نسبت به حریم حرمت خانه و خانواده دانست. همچنین در زمان خلافت امیر مؤمنان علی(ع) به آن حضرت گزارش رسید که در مسیر راه‌ها بعضی از مردان و زنان رعایت حریم عفت را نمی‌کنند، ایشان بسیار ناراحت شد. مردم کوفه را جمع کرد، در ضمن سخنرانی به آنها فرمود: «نبّئت انّ نسائکم یدافعن الرّجال فی الطّریق، اما تستحیون؟ لعن اللّه من لایغار؛ به من خبر رسیده که زنان شما در مسیر راه‌ها به مردان تنه می‌زنند، آیا حیاء نمی‌کنید، خداوند لعنت کند کسی را که غیرت نمی‌ورزد.» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۴؛ الکافی ج ۵ ص ۵۳۶) نیز روایت شده: به مردم کوفه فرمود: «آیا خجالت نمی‌کشید، و زنان شما غیرت نمی‌ورزند؟ به طوری که در بازارها رفت و آمد می‌کنند، و با مردان بیگانه رخ به رخ شده و به همدیگر تنه می‌زنند؟ (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ الکافی ج ۵ ص ۵۳۷)

*** با وجود این‌همه منابع غنی در داخل کشور، واردات برخی کالاها که در کشور امکان تولید آن وجود دارد، دلیلی جز سوء مدیریت و در برخی موارد بی‌غیرتی ملی ندارد.**

۳- غیرت اجتماعی: انسان همان طوری که نسبت به حریم حرمت‌های خانوادگی و ناموسی باید غیرت داشته باشد، نسبت به محیط اجتماعی نیز باید غیرت بورزد. از این روست که در اسلام امر به معروف و نهی از منکر واجب شده است تا این گونه با هر کسی که حریم حرمت‌های اجتماعی را مخدوش می‌سازد، مبارزه می‌شود. امام علی(ع) ارزش و جایگاه غیرت اجتماعی را از زبان رسول خدا(ص) این گونه بیان می‌کرد: «امرنا رسول الله ان نلقی اهل المعاصی بوجوه مکفهره» رسول خدا(ص) ما را مأمور کرد که با روی گرفته و خشمگین با اهل معصیت برخورد کنیم.» (اصول کافی، ج ۵، ص ۹۵، ح ۱۰) زمانی که جامعه نسبت به هنجارشکنی بی‌غیرت شود، باید آماده تباهی اجتماعی نیز باشد. امام صادق از پیامبر خاتم(ص) نقل می‌کند که آن حضرت خطاب به مردم فرمود: «چه می‌کنید زمانی که زنانتان فاسد و جوانانتان فاسق گردند و شما امر به معروف و نهی ازمنکر را ترک کرده باشید؟» سؤال شد: یا رسول الله! آیا چنین چیزی خواهد شد؟ فرمود: «آری، بلکه بدتر نیز خواهد شد.» سپس فرمود: «چه خواهید کرد آنگاه که امر به منکر کنید و نهی از معروف؟» سؤال شد آیا چنین چیزی خواهد شد؟ فرمود: «بلکه، بدتر از آن هم خواهد شد.» (بحارالانوار، ج۹۷، ص۴۷، ح۴۱)

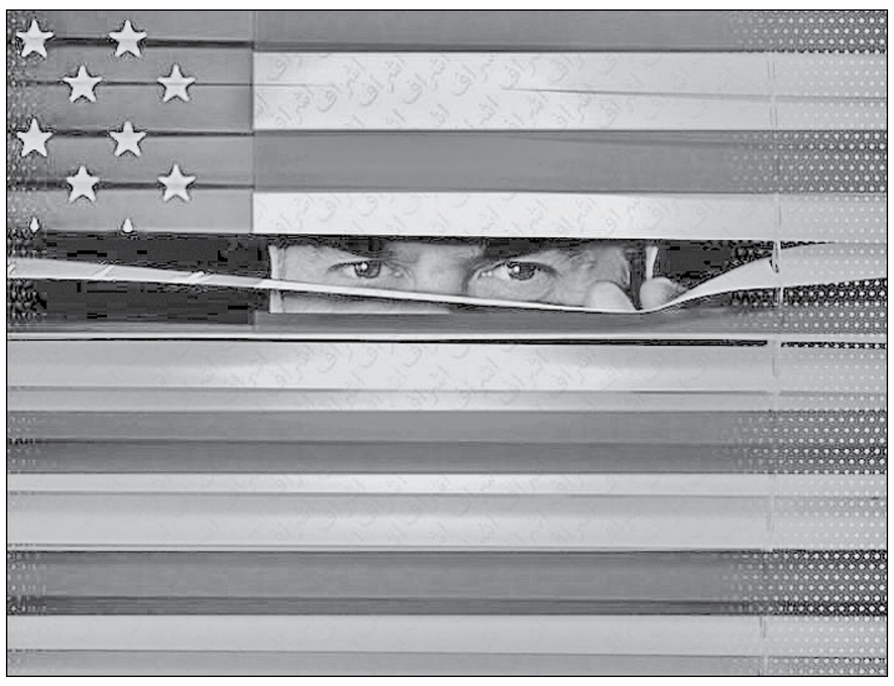

*** در زمان خلافت امیر مؤمنان علی(ع) به آن حضرت گزارش رسید که در مسیر راه‌ها بعضی از مردان و زنان رعایت حریم عفت را نمی‌کنند، ایشان بسیار ناراحت شد. مردم کوفه را جمع کرد، در ضمن سخنرانی به آنها فرمود: به من خبر رسیده که زنان شما در مسیر راه‌ها به مردان تنه می‌زنند، آیا حیاء نمی‌کنید، خداوند لعنت کند کسی را که غیرت نمی‌ورزد.»**

۴- غیرت ملی: جهاد و دفاع از مرزهای اعتقادی و ایمانی همان دفاع از مرزهای جغرافیایی اسلام و امری واجب است. این گونه است که هم جهاد در قالب دفاع از مرزهای جغرافیایی واجب شده و هم دفاع از مرزهای اعتقادی لازم دانسته شده است. اگر بر این باوریم که باید عدالت از سوی همگان به اجرا در آید(حدید، آیه ۲۵) و مسلمانان و مومنان باید در این امر پیشتاز و برتر و قوی‌تر وارد شده و به تعبیر قرآن قوامین بالقسط باشند، هر کسی که به مرزهای اعتقادی تجاوز کند و به مردمان حتی غیر مسلمان ظلم و ستم روا دارد باید جنگید و او را سرکوب کرد. (نساء، آیه ۷۵) امام علی (ع) «اگر از تعصب ورزیدن ناگزیرید، پس در یاری کردن حق و دادخواهی از ستمدیده، تعصب ورزید». (غررالحکم و دررالکلم، ص۹۶، ح۱۸۹) اصولا علت و عامل حضور پیامبر(ص) در پیمان حلف الفضول، غیرتمندی گروهی علیه ظالمان و مستکبران بوده است. (فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۸۱: سیره رسول خدا، رسول جعفریان، ج ۱، ص۹۶۱) چنانکه منشاء بوجود آمدن غزوه بنی قینقاع، غیرت است (سیره رسول خدا، ج ۱، ص ۳۰۵) روایات از حفظ مرزهای جغرافیایی اسلام و حفظ وطن و میهن سخن گفته و آن را از مصادیق دفاع از ایمان دانسته است؛ زیرا اگر «حُبّ الْوَطَنِ مِنَ الْایمانِ؛ وطن دوستی از ایمان است»؛ به طور طبیعی دفاع از آن نیز ایمان است. (سفینه‌البحار، قمی، ج ۱۰،ص۳۷۵، و نیز برای اطلاع بیشتر از حدود و مرز میهن اسلامی رجوع کنید : المیزان، ج ۴، ص۲)

عناصر غیرت

برای تحقق غیرت باید سه مولفه و عنصر تامین شود:

۱- حرم و حریم‌شناسی؛ زیرا فرد تا حرم و حرمت‌ها را نشناسد و غیرشناس نباشد نمی‌تواند غیرزدایی داشته باشد؛ بر همین اساس است که پیامبر(ص) می‌فرماید: أَلَا إِنّ اللّهَ حَرّمَ الْحَرَامَ وَ حَدّ الْحُدُودَ وَ مَا أَحَدٌ أَغْیَرَ مِنَ اللّهِ وَ مِنْ غَیْرَتِهِ حَرّمَ الْفَوَاحِشَ؛ بدانید که خدا حرام را ممنوع فرموده و حدود را مشخص کرده است و احدی غیرتمندتر از خدا نیست و از غیرت اوست که زشتی‌ها را حرام فرموده است. (امالی، صدوق، ص ۴۲۷)

۲- غیرزدایی از حرم و حریم خویش؛ این هم بستگی به حمیت شخص دارد. امیرمومنان امام علی(ع) می‌فرماید: عَلی قَدرِ الحَمِیّهِ تَکونُ الغَیرَهُ؛ غیرت به اندازه تعصّب و ننگ داشتن بستگی دارد. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص۲۵۹، ح۵۵۳۳) انسان غیرتمند شجاعانه از حریم و حرم خویش دفاع می‌کند. آن حضرت(ع) می‌فرماید: ثَمَرَهُ الشّجاعَهِ الغَیرَهُ؛ غیرت میوه شجاعت است.(همان)

۳- غیرگریزی از حرم و حریم دیگری؛ یعنی همان طوری که کسی را به حریم و حرم خود راه نمی‌دهد؛ خودش نیز به حرم و حریم دیگری وارد نمی‌شود؛ یعنی نه ظالم است نه مظلوم. از این‌رو در روایت آمده است: «مَا زَنَی غَیُورٌ قَطّ؛ غیور هرگز زنا نمی‌کند». (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص۲۱۱).

غیرت سیاسی از منظر قرآن

حوزه سیاسی بخشی از حوزه اجتماعی است، لذا به سادگی می‌توان دیدگاه اسلام و قرآن را در این باره دانست و با توجه به اهمیت این بخش آن را جدای از بخش اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهیم. خداوند نسبت به کسانی که اجازه می‌دهند تا جامعه اسلامی از عزت و اقتدار ساقط شود و دشمنان بر آن تسلط یافته و استقلال سیاسی را از آن سلب کند، به شدت برخورد می‌کند.

خداوند در آیات بسیاری بر اینکه باید جلوی نفوذ دشمن را گرفت، تاکید کرده است. از همین‌رو در قالب غیرت سیاسی اجازه نمی‌دهد تا برخی از فعالیت‌ها از سوی مومنان و جامعه اسلامی انجام گیرد که از آن جمله است:

۱- عدم دوستی با دشمنان: خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، [دوست و] همراز مگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد، بزرگتر است. در حقیقت، ما نشانه‌ها [ی دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید. (آل عمران، آیه۱۱۸) و نیز می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به جای مؤمنان، کافران را به دوستی خود مگیرید. آیا می‌خواهید علیه خود حجّتی روشن برای خدا قرار دهید؟ (نساء، آیه ۱۴۴) در این میان فرقی میان کافر یهودی و مسیحی با غیر آن ندارد. نیز می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند. و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید.

*** غیرت دینی و فطری و عقلی اجازه نمی‌دهد تا کسی بی‌غیرت سیاسی شود. پس کسانی که راه نفوذ بیگانگان را در فضای اقتصادی یا سیاسی به روی کشور می‌گشایند فاقد غیرت اقتصادی یا سیاسی و ملی هستند.**

۲- عدم پذیرش ولایت و سرپرستی دشمنان: همین آیات بصراحت ولایت به معنای سرپرستی و حاکمیت سیاسی و اقتصادی و قضایی دشمنان را نفی کرده است. اصولا دشمنان نباید سلطه و نفوذی بر مومنان و جامعه اسلامی داشته باشند. خداوند می‌فرماید: وَلَن یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکَافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً؛ هرگز خداوند برای کافرین راهی بر سلطه بر مومنان قرار نداده است. (نساء، آیه ۱۴۱)

۳- نفی جاسوسی برای دشمنان: همچنین هر گونه همکاری مومنان با دشمنان در حوزه اطلاعات بویژه اطلاعات امنیتی جایز دانسته نشده است و باید مومنان غیرت‌ورزی کنند و دشمن و نیز همکاران جاسوس آنان را رسوا و مجازات نمایند.(مائده، آیه ۴۱؛ توبه، آیه ۴۷)

۴- نفی تجارت با دشمنان: هر گونه ارتباطی که موجب شود سلطه دشمن آغاز یا تثبیت و تقویت شود حرام است. از همین رو تجارتی که موجب تضعیف جامعه و دولت اسلامی شود ممنوع است.(توبه، آیه ۲۸)

انسان مومن در همه حوزه‌های شخصی و اجتماعی بر اساس فطرت و عقلانیت دارای غیرت بوده و غیرزدایی می‌کند و همان طوری که خود اهل تجاوز و تعدی به حریم حرمت دیگران نیست، اجازه نمی‌دهد تا کسی به حریم حرمت او یا جامعه‌اش وارد شود.

بی‌غیرتی سیاسی

بی‌غیرت سیاسی کسی است که بیگانه را به حریم اجتماعی و ملی راه می‌دهد و اجازه می‌دهد تا او از منابع ملی بهره‌مند شود و امکان استفاده افراد جامعه از این منابع را سلب می‌کند. به عنوان نمونه در جایی که افراد جامعه توانایی انجام عملی را دارند به دیگران تکیه می‌کند و استقلال اقتصادی و سیاسی جامعه را تهدید می‌کند.

در فرهنگ قرآنی غیرت را معرفت هویت و غیرزدایی تشکیل می‌دهد و غیرزدایی هم به این معناست که اولاً اجازه ندهیم بیگانه به حریم ما نفوذ کند؛ و ثانیاً خودمان هم در کار دیگران تجسس نکنیم. پس بیگانه را در حریم خود راه دادن و همچنین ورود به حریم غیر شدن، با غیرت سازگار نیست. به این معنا که غیور نه خود اهل تعدی و تجاوز و ورود به حریم حرمت دیگران است و نه اجازه می‌دهد تا غیر وارد حریم حرمت او شود. از اینرو در روایات است: ما زنی غیورقط؛ غیور هر گز زنا نمی‌کند (ر.ک غررالحکم و دررالکلم، ص۹۵۲، ح ۴۳۵۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۴۱، ص۱۳۳)؛ یعنی همان طوری که اجازه نمی‌دهد تا کسی با همسرش زنا کند خودش نیز زنا نمی‌کند.

بر این اساس کشوری که غنی و برخوردار از نعمات و مواهب الهی است، نباید اجازه دهد تا غیر وارد شود و منابع و ثروت او را به غارت برد و یا بر شبکه بازرگانی او مسلط شود و یا کارهایی انجام دهد که با غیرزدایی و غیرت در تضاد و تنافی است.

همچنین با وجود این‌همه منابع غنی در داخل کشور، واردات برخی کالاها که در کشور امکان تولید آن وجود دارد، دلیلی جز سوء مدیریت و در برخی موارد بی‌غیرتی ملی ندارد.

غیرت دینی و فطری و عقلی اجازه نمی‌دهد تا کسی بی‌غیرت سیاسی شود. پس کسانی که راه نفوذ بیگانگان را در فضای اقتصادی یا سیاسی به روی کشور می‌گشایند فاقد غیرت اقتصادی یا سیاسی و ملی هستند.

چراغ راه

شیعیان اهل خیانت،مکر و نیرنگ نیستند

قال‌الامام‌الحسین(ع): «ان شیعتنا من سلمت قلوبهم من کل غش و غل و دغل»

امام‌حسین(ع) فرمود: همانا شیعه ما کسی است که از هرگونه خیانت و نیرنگ و مکری پاک است.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۵۶

حکایت خوبان

لزوم باز بودن باب انتقاد از رهبران جامعه

در یکی از نامه‌هایی که در نهج‌البلاغه هست سیدرضی این طور نوشته است که در جنگ جمل، زمانی که علی(ع) از مدینه حرکت کرد و به طرف بصره می‌آمد، نامه‌ای به مردم کوفه نوشت، آنها را دعوت کرد، در ابتدای نامه می‌نویسد که من یک گذشته‌ای در دوره خلفای پیشین دارم، هر جور مردم درباره گذشته من فکر می‌کنند، آیا ظالم بودم یا مظلوم، یاغی بودم یا مبغی علیه، هر طور بوده فعلاً درباره اینها بحث نمی‌کنم، ولی امروز مسلمین با من بیعت کرده‌اند. هر کس که می‌خواهد به یاری من بیاید، بیاید، اما من یک قید و یک شرط با او می‌کنم: نزد من بیاید، اگر دید خوب عمل می‌کنم مرا کمک بدهد و اگر دید بد عمل می‌کنم به من انتقاد و اعتراض کند تا من جبران کنم. (این را می‌گویند نمونه یک حکومت آزادیخواه) (۱)

۱- پانزده گفتار، شهید مرتضی مطهری، ص۹۳

پرسش و پاسخ

جنگ روانی دشمنان و راهکارهای مقابله با آن

پرسش:

جنگ روانی چیست و مهم‌ترین راهکارهای مقابله با جنگ روانی دشمنان کدام است؟

پاسخ:

در پنج بخش قبلی پاسخ به این سوال، ضمن پاسخ اجمالی به مفهوم جنگ روانی، تاریخچه جنگ روانی، جنگ روانی در صدر اسلام و نمونه‌هایی از آن و جنگ روانی در عصر حاضر و انواع جنگ‌های روانی مورد بررسی قرار گرفت. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی‌می‌گیریم.

راه های مقابله با جنگ روانی دشمنان

جنگ روانی تلاشی در جهت ایجاد فضای ذهنی، فکری، فرهنگی و ایدئولوژیک است که مقابله با آن هوشیاری ذهنی و اعمال مدیریت هنرمندانه درهمه عرصه ها از جمله در بهره‌مندی از ابزار متناسب رسانه ای را می طلبد. باید با همان شیوه های دشمن و با پایبندی به ارزش ها و فرهنگ و اخلاق اسلامی با جنگ روانی دشمن مقابله کنیم و توطئه های آشکار و پنهان آن را ناکام گذاریم.

مهم ترین راه های مقابله با این جنگ که کارایی آنها به تجربه ثابت شده است عبارت اند از:

۱. اتکال به خداوند تبارک و تعالی و ایمان به یاری او در تقابل با دشمنان اسلام

۲. بصیرت در شناخت دشمن از دوست و آگاهی از اشکال مختلف جنگ روانی و راه های مقابله با آن

۳. خودباوری و بازگشت به هویت دینی خویش: اگر ملتی سرمایه ها، امکانات، توانایی‌ها، امتیازات و برتری های خود را باور کرد هیچ‌گاه در مقابل بیگانگان احساس حقارت نخواهد کرد و کمتر تحت تأثیر جنگ های روانی قرار می گیرد.

۴. کنترل جبهه داخلی و ایجاد هماهنگی بین آنان: بر عهده رهبران و زمامداران هر جامعه است که همواره مراقب افراط و تفریط های نیروهای خودی باشند و تعادل را بین آنان برقرار سازند؛ زیرا نا هماهنگی و اختلاف زمینه موفقیت جنگ روانی دشمن را فراهم می سازد.

۵. ایجاد دوستی و همبستگی بین افراد جامعه: با سعۀ صدر و بالابردن قدرت تحمل سلیقه های مختلف باید از تفرقه و انشعاب نیرو های خودی که زمینۀ بی اعتمادی را فراهم کرده و به مقاصد دشمن کمک می کند جلو گیری شود.

۶. رواج فرهنگ راست گویی و پرهیز از دروغ: هر گاه مردم اعتماد خود را به مسئولان و دست‌اندرکاران کشور خود از دست داده و اعتقاد به عدم صداقت آنان پیدا کنند دشمن به هدف خود در جنگ روانی دست یافته است.

۷. بهره‌گیری از ابزارها و توانمندی‌های داخلی در جهت عزت و اقتدارملی.

۸. آموزش شهروندان به گونه ای که بتوانند بین حقیقت و تبلیغات کاذب تفاوت قایل شوند. لذا باید آگاه بوده و با جلوگیری از انتشار و گسترش شایعات، دروغ پردازی های دشمن را خنثی کرده و از اظهار شنیده ها در اماکن مختلف خود داری کرد.

۹. شناخت نقاط ضعف دشمن، دشمن همواره سعی می کند با پنهان کردن نقاط ضعف خود، اقتداری کاذب در ذهن مخاطبان برای خود ایجاد کند و از این طریق حریف را از مبارزه ناامید سازد که با روشن شدن نقاط ضعف او حربه را از دست خواهد داد.

۱۰. فعالیت علنی و رویارویی با دشمن و دفاع از ارزش ها: کوتاهی در دفاع از ارزش ها و فرار از رویارویی با دشمن باعث تضعیف روحیه نیروها و تردید در اصالت ارزش ها خواهد شد. از این رو باید با شجاعت و صلابت کامل همواره ارزش ها را در دل و جان افراد زنده نگه داریم.

درپایان باید یاد آور شویم پایداری و مقاومت در مقابله با عملیات روانی دشمن و مقاومت در برابر جنگ روانی بر عهده فرد فرد جامعه است که با تکیه بر هویت اسلامی و ایمانی خود و با هوشیاری و بیداری راه حمله تبلیغاتی دشمن را سد نمایند.

سلوک عارفانه

آرامش دلها فقط با یاد خدا

(بدان ای سالک راه خدا!) توجه به او را از یاد نبرید. توجه به او، منشأ همه خیرات است، برای دنیای شما، برای آخرت شما. به ذکر خدا مطمئن می‌شود قلبها: (الا بذکرالله تطمئن القلوب) قلب‌ها اگر بخواهد مطمئن باشد، که بهترین نعمت این است که انسان مطمئن باشد. الان شما اینجا نشسته‌اید، نه شما از من می‌ترسید، نه من از شما، برادریم همه، این «اطمینان» است.(۱)

اینکه می‌بینید که این قدرت‌ها هی جلو می‌روند و هرچه داشته باشند، باز یک قدم جلوتر می‌روند، و اگر تمام این عالم را هم داشته باشند، باز کافی برایشان نیست، این برای این است که در آن طرف هم، غیرمتناهی هست انسان. آن چیزی که انسان را مطمئن می‌کند، آن خداست. آن ذکر خداست.(۲)

۱- صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۵۵
۲- همان، ج ۱۳، ص ۲۹۰

تبعات گناه

خدا در قرآن برای گناهان نام‌هایی بیان می‌کند که بیانگر نوع، اثر و مراتب گناه است. گاه از آن به «اثم» و گاه دیگر به «ذنب» و گاه سوم به نام دیگری یاد می‌کند. واژه ذنب در لغت به معنای دنباله و در اصطلاح رفتاری است که دنباله بدی دارد و نشانه آن نیز می‌ماند. البته ممکن است، هر ذنبی، گناه نباشد؛ زیرا مراد عملی است که دارای پیامدها، آثار و تبعاتی است. به عنوان نمونه در آیات ۱ و ۲ سوره فتح وقتی از ذنب پیامبر(ص) سخن می‌گوید، به معنای گناه نیست، بلکه کاری است که تبعات و پیامدهایی داشته است. به عنوان نمونه فعالیت‌های جنگی پیامبر(ص) تبعاتی داشته و عده‌ای را کشته و زخمی کرده است؛ بنابراین، افراد در دل از ایشان کینه‌ای خواهند داشت؛ اما خداوند این تبعات را می‌پوشاند و نمی‌گذارد تا خودنمایی کند و تاثیری در روند تبلیغ پیامبر(ص) ایجاد کند. بنابراین، هر کاری که دارای تبعات و پیامد و دنباله باشد، ذنب نامیده می‌شود. در اصطلاح عربی، ذنوب به معنای دلو پُرآب آمده است؛ چون این چنین حالتی موجب می‌شود تا خطی از آب روی زمین کشیده شود و تبعات و آثاری داشته باشد. خداوند می‌فرماید: فَإِنّ لِلّذِینَ ظَلَمُواْ ذَنُوبًا؛ پس برای کسانی که ستم ورزیدند، دنباله‌ها و آثاری است.(ذاریات، آیه ۵۹)

گناه را ذنب می‌گویند چون دنباله‌ای دارد که همان عقوبت دنیوی و عذاب اخروی است.

منطق ماشین دودی

یکی از دوستان ما که مرد نکته‌سنجی است، یک تعبیر بسیار لطیفی داشت، اسمش را گذاشته بود منطق ماشین‌دودی، می‌گفتیم: منطق ماشین‌دودی چیست؟ می‌گفت: من یک درسی را از قدیم آموخته‌ام و جامعه را از روی منطق ماشین‌دودی می‌شناسم. وقتی بچه بودم منزلمان در حضرت عبدالعظیم بود، و آن وقت‌ها قطار راه آهن به صورت امروز نبود و فقط همین قطار تهران- شاه‌عبدالعظیم بود. من می‌دیدم که قطار وقتی در ایستگاه ایستاده، بچه‌ها دورش جمع می‌شوند، و آن را تماشا می‌کنند، و به زبان حال می‌گویند: ببین چه موجود عجیبی است. معلوم بود که یک احترام و عظمتی برای آن قائل هستند. تا قطار ایستاده بود، با یک نظر تعظیم و تکریم و احترام و اعجاب به آن نگاه می‌کردند، تا کم‌کم ساعت حرکت قطار می‌رسید، و قطار راه می‌افتاد. همین که راه می‌افتاد بچه‌ها می‌دویدند، سنگ برمی‌داشتند و قطار را مورد حمله قرار می‌دادند. من تعجب می‌کردم که اگر به این قطار باید سنگ زد چرا وقتی که ایستاده یک ریگ کوچک هم به آن نمی‌زنند، و اگر باید برایش اعجاب قائل بود، اعجاب بیشتر در وقتی است که حرکت می‌کند! این معما برایم بود تا وقتی بزرگ شدم و وارد اجتماع شدم. دیدم این قانون کلی زندگی ما ایرانیان است که هر کسی و هرچیزی تا وقتی که ساکن است مورد احترام است. تا ساکت است مورد تعظیم و تجلیل است، اما همین که به راه افتاد و یک قدم برداشت، نه‌تنها کسی کمکش نمی‌کند، بلکه سنگ است که به طرف او پرتاب می‌شود، و این نشانه یک جامعه مرده است، ولی یک جامعه زنده فقط برای کسانی احترام قائل هستند که متکلم هستند نه ساکت، متحرکند نه ساکن، باخبرترند نه بی‌خبرتر...(۱)

۱- حق و باطل، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۸۲.